

تلاش علمای شیعه در صیانت از دین*

حضرت آیه الله سبحانی

بسم الله الرحمن الرحيم؛ قبل از آنکه وارد موضوع بحث شوم از کلیه کسانی که برای برگزاری این بزرگداشت وقت صرف کرده‌اند، سپاسگزارم. این کار احیای علما و خود یک نوع امر به معروف و نهی از منکر است. من خیلی هم دور نبودم و از نزدیک عزیزی را که برای این بزرگداشت کارهای علمی و قدمی انجام می‌دادند، از نزدیک مشاهده می‌کردم و از همه آنها سپاسگزاری کنم. موضوعی که برای سخن انتخاب کرده‌ام، زحماتی است که علمای شیعه به پیروی از ائمه اهل بیت (ع) برای حفظ دین و اسلام کشیده‌اند. مسلماً این یک دایرةالمعارف است و در یک ساعت و نیم ساعت نمی‌گنجد، ولی می‌خواهم نظری به تاریخ بیفکنیم و ببینیم علمای اسلام بالأخص علمای شیعه در برقراری اسلام چه زحمات توانفرسایی را متحمل شده‌اند. من در این جا به بعضی از زحمات چشمگیر آنها در برخی از قرن‌ها اشاره می‌کنم تا برسیم به قرن حاضر.

بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) منشوری منتشر شد و نوشتن حدیث نبوی ممنوع گشت که اولین ضربه‌ای بود که بر اسلام وارد شد. بعد از جا افتادن خلافت در میان صحابه منتشر شد که نگارش حدیث نبوی ممنوع است و اگر حدیثی نوشته شده باشد حتماً باید جمع کنند و آتش بزنند. در حقیقت پیرو همان جمله بود که محضر پیغمبر اکرم (ص) گفت: حسبننا کتابنا. هدف این بود که اسلام در محور کتاب بگردد و حدیث

* سخنرانی ایراد شده در سومین روز کنگره فاضلین نراقی که در تاریخ سوم خرداد ماه سال ۱۳۸۱ در دانشگاه آزاد اسلامی نراق برگزار گردید.

پیغمبر اکرم را نادیده بگیرند. این اسلام نمی‌تواند یک اسلام جامع و پایدار و استوار و به عنوان خاتم الشرایع تا روز رستاخیز باشد. حالا این که هدف از این منع چه بوده و چرا باید حدیث پیغمبر اکرم مطلقاً نوشته نشود، خود بحث جداگانه دارد. اولین خدمت ائمه اهل بیت به اسلام در حالی که از خلافت صرف نظر شده بود این بود که به این بخش‌نامه ارزش قائل نشدند. حدیث پیغمبر اکرم را امیرمؤمنان و دخترگرامی پیامبر اکرم نوشتند. شاگردان امیرمؤمنان هم مثل ابورافع (متوفای سال چهل قمری) و فرزندان او علی بن ابی‌رافع یا عبیدالله ابی‌رافع این احادیث را نوشتند.

ابی‌ضر هم در این مورد احادیثی دارد و اولین کتابی که به نام کتاب شیعه منتشر شد اصول سلیم بن قیس بود. بعد از صد سال عمر بن عبدالعزیز احساس کرد که این بخشنامه به ضرر بوده و احادیث پیامبر اکرم از دست رفته و اسرائیلیات، مجوسیات و مسیحیات، جای نبویات را گرفته است. لذا نامه‌ای به عالم مدینه نوشت که احادیث پیامبر اکرم را بنویسد و او موفق نشد تا این که در سال ۱۴۳ منصور دوانیقی موفق شد که به کمک گروهی احادیث پیامبر اکرم را بنویسد. این کتاب در حقیقت یکی از آثار همان فعالیت این گروه بود.

اما در روایات ما مجوسیات، اسرائیلیات و مسیحیات نیست. نمی‌گوییم روایت شیعه ضعیف ندارد، اما این بخش در روایات ما بسیار کم است. در حالی که اگر صحاح سته، از جمله صحیح بخاری و صحیح مسلم را مطالعه کنیم، از این‌گونه احادیث در آن‌ها فراوان می‌بینیم. در قرن دوم شکل دیگری برای مسلمانان پیش آمد و باز ائمه اهل بیت و شاگردان ایشان در مبارزه با این بدعت پیشگام بودند. در اوایل قرن دوم مسئله‌ای به نام مرجئه پیش آمد. مرجئه همان است که به تساهل و تسامح گفته می‌شود. انسان اگر مؤمن باشد کافی است و عمل مهم نیست. ائمه اهل بیت نخستین کسانی بودند که با این اندیشه مبارزه کردند و ایمان و عمل توأم را حتی به شیعیان بخش‌نامه کردند. در قرن دوم باز مسئله رؤیت خدا پیش آمد. روایتی که مسلمان نماهای یهودی وارد اسلام کردند. این بود که رؤیت خدا را جزو عقاید دانستند. علمای شیعه و شاگردان ائمه اهل بیت هم با قدریه، هم با تشبیه هم با ترسیم هم با ارجاء مبارزه کردند. من الآن در این محفل علم و دانش، محضر بزرگان دو کتاب معرفی می‌کنم از یک اصل. یکی کتاب توحید از ابن‌خضعینه متوفای سال ۳۱۱ دیگری هم توحید مرحوم صدوق متولد ۳۰۶ و متوفای ۳۸۱ که تقریباً معاصرند. شما این دو کتاب را مطالعه کنید. اولی را صعودی‌ها منتشر می‌کنند که سر تا پا ترسیم و تشبیه است؛ خدا دست دارد، پا دارد، چنین و چنان. اما

توحید صدوق تنزیه حق تعالی از این هاست. همه این‌ها مرهون خدمات علمای شیعه و همه تربیت‌یافتگان امام باقر(ع) و امام صادق(ع) است. اگر علمای شیعه این نوع گرفتاری‌ها را حل نمی‌کردند همه جهان اسلام در تشبیه بود. الآن هم عده‌ای آشکارا می‌گویند خدا را با همین چشم در آخرت می‌بینیم. خدا را محاط کرده‌اند و ما را محیط. در یکی از سال‌ها در ترکیه همایش فقهی احکام‌السفر برگزار شد و من در آنجا مهمان بودم. برایم محافظی گمارده بودند اهل اسکندریه، عرب‌زبان بود، ترکی هم بلد بود. گفت: ما معتقد به رؤیتیم و شما منکر به رؤیتید. گفتیم بله. گفت: چرا؟ گفتیم: شما خدا را می‌بینید یا بخشی از خدا را؟ اگر همه را می‌بینید پس خدا محاط است و ما محیط هستیم و بشر بالاتر از خداست. اگر بخشی از خدا را می‌بینید پس خدا مرکب است و جزء دارد.

شما تاریخ علمای شیعه و خدمات آنان را در این درگیری‌ها بخوانید، ببینید چقدر رنج کشیده‌اند تا اسلام ناب محمدی و احکام را برای ما حفظ کنند. مرحوم شیخ مفید -علی الله مقامه- در دولت آل‌بویه که رنگ تشیع داشت و ایشان مورد علاقه خلافت بود، چندبار به خارج از بغداد تبعید شد چرا؟ چون با این اندیشه‌های غلط ترسیم، تشبیه و مانند این‌ها مبارزه کرد. در وفات سیدرضی که شاگرد شیخ مفید بود، شیخ در تشیع او حاضر نبود و والی شیخ بر جنازه رضی نماز خواند. بعداً می‌رسیم قرن پنجم و ششم. یکی از افتخارات اسلام و تشیع باز بودن باب اجتهاد است. ما معتقدیم رمز خاتمیت در اجتهاد است. آیین اسلام و آیین خاتم عنصری دارد به نام اجتهاد. اجتهاد می‌تواند اسلام را با تمام زمان‌ها، تمدن‌ها و با تمام چهره‌های زندگی تطبیق دهد. در سال ۶۵۶ یا ۶۶۶ باب اجتهاد به کلی به روی امت بسته شد. تنها جمعیتی که باب اجتهاد را به روی بشر گشوده نگه داشته، علمای شیعه‌اند. بنابراین در قرن‌های پیشین به خون و دل این تشیع را حفظ کرده‌اند. الآن اگر خروار خروار در دست ماست، متقال متقال جمع شده است. در سال ۴۴۸ تمام کتابخانه شیخ طوسی -علی الله مقامه- را در کرخ به آتش کشیدند ببینید چه غوغاست. چقدر این‌ها باید زحمت بکشند تا کتاب‌ها را دومرتبه بنویسند و نشر کنند و الان بسیاری از آثار شیخ در دست ماست.

کمی به اعصار متأخر برگردیم. در قرن دوازدهم فتنه‌ای در میان شیعیان برپا شد که باید بگویم فتنه اخباری‌گری. البته مسئله اخباری‌گری به یک معنی ریشه داشت و به یک معنا ریشه نداشت. اصحاب پیامبر اکرم دو نوع نبودند، چون تفکر کم بود، اما اصحاب امام باقر(ع) و امام صادق(ع) دو جور بودند. گروهی متفکر، اهل اجتهاد و اندیشه، مانند

زراره، محمد بن مسلم و یونس بن عبدالرحمان. این‌ها اهل تفکر و اجتهاد بودند، اما گروهی هم بودند که کارشان فقط نقل حدیث بود و کار با درایتی نداشتند. ابوبصیر از این جمله است. در قرن‌های ۱۱ و ۱۲ اخباری‌گری خود را توسط ملا احمد امین استرآبادی به صورت مکتب نشان داد. اگر این مکتب محفوظ مانده بود، از معارف چیزی نمی‌ماند. من نمی‌خواهم درباره این مکتب بحث کنم، بحث کامل در کنگره‌های شیخ انصاری و شیخ مفید انجام گرفت. البته مسلماً اخباری‌گری خالی از نفع نبوده و بسیاری از جوامع خبری ما مانند وسائل الشیعه، کافی و کتاب‌های دیگر در این زمان نوشته شده است؛ اما سلیبات زیادی هم داشت. مرحومان ملامهدی نراقی و ملا احمد نراقی مکتب معتدلی را پیش گرفتند و در عین اهتمام به خبر، باب اجتهاد را هم نیستند. ما در روایات می‌خوانیم العلماء امناء. ائمه اهل بیت و پیروان اهل بیت و علما کارشان همین بوده که اگر زنگی و گردی بر چهره اسلام می‌نشست، با نیش قلم و در پرتو بیان این زنگ را پاک می‌کردند و صحنه‌های باطل را از بین می‌بردند. در روایت دیگر می‌فرماید: العلماء امناء الرسول. حافظان و نگهبانان شریعت همین علما هستند. ائمه اهل بیت این‌ها را تربیت کرده‌اند و این‌ها هم دیگران را تربیت می‌کنند. دو قرائت نیست. یک قرائت است که آن را هم از همین کارشناسان باید گرفت. امام صادق (ع) درباره قرآن مجید می‌فرماید: قرآن یکی است و از جانب یک نفر هم آمده است. از افتخارات شیعه این است که سنت پیامبر را حفظ کردند. امام صادق در مدینه سنت پیامبر اکرم را به تمام معنا بیان می‌کند. حتی قرآن مجید را امیر مؤمنان حفظ کرده است. همین قرائتی که الآن همگی می‌خوانیم از عاصم از نبی اکرم از جبرئیل از الله سبحانه. قدر دین، قدر علما و نگهبانان شریعت را بدانید. الآن در قرن چهاردهم شما می‌بینید خیلی از مسائل معنوی و مسائل فکری و باورهای دینی زیر سؤال رفته. خیلی از مطبوعات مسائل دینی را زیر سؤال می‌برند. نه اهل هستند و نه غرض سالم دارند. در سال ۱۳۲۲ شمسی کتابچه‌ای در قم و تهران به نام اسرار هزارساله منتشر شد. این کتاب با آن‌که کوچک بود، اما عقرب وار سم داشت و تکان دهنده و باورسوز بود. آن‌هایی که این‌گونه مشکلات را حل کردند همین علما بودند. مرحوم امام امت - اعلی الله مقامه - با نگارش کتاب کشف الاسرار آب پاکی به دست نویسنده این کتابچه ریخت. الآن هم علما همان وظایف را دارند.

الآن مسائلی در مطبوعات مطرح است که باید در دانشگاه و حوزه‌های علمیه مطرح شود. «معنی وحی چیست» و «زبان دین چیست؟» همه این‌ها یک سلسله مسائلی است که نباید در بازار و خیابان بر سر هر کوی و برزن مطرح کرد. این‌ها کار فنی است و کار

فنی را مراکز فنی مطرح می‌کنند. همه داروها را در اختیار همه نمی‌گذارند و داروهای سمی در داروخانه‌ها جعبه خاصی دارند. الآن حوزه علمیة قم و دیگر حوزه‌های شیعه در حالی که از این کار تا حدی ناخرسندند، اما با آغوش باز به همه این مشکلات جواب می‌گویند. این مجلات، منشورات و کتاب‌های مختلف همه و همه نگهبان دینند. ما از شما عزیزان نسبت به قدردانی از این دو شخصیت علمی و ستاره‌های آسمان علم و معرفت تشکر می‌کنیم. ما خودمان را وامدار علما و وامدار این حوزه‌ها می‌دانیم. احترام به اسلام در پرتو همین علما بوده و همیشه تیرهای سهمگین را این‌ها رد کرده‌اند. احترام تشیع محفوظ است. تشیع در جهان خارج در حال انتشار است. همه و همه در پرتو خدمات علمای شیعه و همین حوزه‌ها است. و برای آن‌هایی که برخلاف این‌ها قلم‌ها و قدم‌هایی دارند از خداوند بزرگ هدایت می‌طلبیم.

پروردگارا! میان ما و علما جدایی نیفکن. پروردگارا! چراغ علم و ایمان را در این کشور برای ابد روشن نگه‌دار. پروردگارا! اساتید بزرگواری را که در برافروختن چراغ علم در این قرن چهاردهم و آغاز قرن پانزدهم شریک بودند و همه درگذشتگان را با محمد و آل محمد محشور بفرما و آن‌هایی را که در قید حیاتند مؤید بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته